



فلسفہ اخلاق

امیر خواص اکبر حسینی قلعہ بہمن احمد دبیری
احمد حسین شریفی علی پاکپور
با همکاری محمد تقی اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
فصل اول: کلیات	۱
هدف‌های رفتاری	۱
مقدمه	۱
۱. مفهوم‌شناسی واژه اخلاق	۲
تفاوت اخلاق و تربیت	۳
۲. علم اخلاق	۳
۳. انواع پژوهش‌های اخلاقی	۴
۳-۱. پژوهش توصیفی (اخلاق توصیفی)	۴
تفاوت دو اصطلاح	۴
۳-۲. پژوهش هنجاری (اخلاق هنجاری)	۵
۳-۳. فرا اخلاق	۷
۴. تعریف و قلمرو فلسفه اخلاق	۹
۵. مسائل فلسفه اخلاق	۹
اهمیت و ضرورت فلسفه اخلاق	۱۰
پیشینه فلسفه اخلاق	۱۱
خودآزمایی	۱۵
آزمون پاسخ‌نگاری	۱۶
برای پژوهش	۱۶
منابعی برای مطالعه بیشتر	۱۶
فصل دوم: واقع‌گرایی اخلاقی	۱۷
هدف‌های رفتاری	۱۷
مقدمه	۱۷
بنابراین	۱۸
۱. واقع‌گرایی در مفاهیم اخلاقی	۱۹
۱-۱ تعریف «مفهوم» و «مصادق»	۱۹

۲۰	۲-۱ اقسام مفاهیم
۲۲	۳-۱ مفاهیم اخلاقی
۲۳	خود را بیازماییم
۲۴	خود را بیازماییم
۲۴	۴-۱ دیدگاه‌های مختلف درباره مفاهیم اخلاقی
۲۴	با هم بیندیشیم
۲۶	یادسپاری
۲۷	خود را بیازماییم
۲۷	۵-۱ واقعیت مفاهیم الزامی
۲۹	خود را بیازماییم
۳۰	یادسپاری
۳۰	جمع‌بندی
۳۰	۲. واقع‌گرایی در گزاره‌های اخلاقی
۳۱	۳. پیامدهای غیرواقع‌گرایی در عرصه اخلاق
۳۲	با هم بیندیشیم
۳۴	خودآزمایی
۳۴	آزمون پاسخ‌نگاری
۳۵	برای پژوهش
۳۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۷	فصل سوم: معیار ارزش اخلاقی
۳۷	هدف‌های رفتاری
۳۷	مقدمه
۳۸	لازم است بدانید
۳۸	با هم بیندیشیم
۳۹	۱. دیدگاه‌های نتیجه‌گرا
۳۹	۱-۱ لذت شخصی
۴۰	یادسپاری
۴۱	نقد و بررسی
۴۴	با هم بیندیشیم
۴۵	۲-۱ سود عمومی
۴۷	نقد و بررسی
۴۸	۲. نظریه‌های وظیفه‌گروانه
۴۸	۲-۱ اراده الهی
۵۰	با هم بیندیشیم
۵۰	نقد و بررسی

۵۲	۲-۲ مطابق با قانون عمل
۵۴	یادسپاری
۵۶	با هم بیندیشیم
۵۶	نقد و بررسی
۵۷	۳. دیدگاه صحیح در معیار ارزش
۵۷	۳-۱ حسن و قبح ذاتی و عقلی
۵۸	۳-۲ ملاک تشخیص کمال مطلوب
۵۹	۳-۲-۱ معیار تشخیص خوبی و بدی
۶۱	۳-۲-۲ حسن فعلی و فاعلی
۶۳	۳-۲-۳ تأمین سایر ملاک‌ها در پرتو قرب الهی
۶۶	خودآزمایی
۶۸	آزمون پاسخ نگاری
۶۸	برای پژوهش
۶۸	منابعی برای مطالعه بیشتر
۶۹	فصل چهارم: نسیت و اطلاق در اخلاق
۶۹	هدف‌های رفتاری
۶۹	مقدمه
۷۰	۱. تعیین موضوع اصلی بحث
۷۰	۱-۱. منظور از مطلق‌گرایی
۷۱	۱-۲. منظور از نسبی‌گرایی
۷۱	۱-۳. تعیین معنای مورد نظر
۷۲	۲. دفاع از مطلق‌گرایی
۷۳	۳. نقد مطلق‌گرایی کانتی
۷۴	۳-۱. ارائه نکردن راه حل برای موارد تعارض وظایف
۷۴	۳-۲. مخالفت با عقل و فطرت انسانی
۷۵	۴. ادله نسبی‌گرایان
۷۵	۴-۱. استدلال از راه وجود اختلافات اخلاقی (نسبی‌گرایی توصیفی)
۷۶	نقد و بررسی
۷۶	الف) فراگیر نبودن اختلافات اخلاقی
۷۶	ب) بنیادی نبودن اختلافات اخلاقی
۷۷	ج) منافات نداشتن با مطلق‌گرایی مورد نظر
۷۷	د) نبود ارتباط میان وجود اختلافات اخلاقی و نسبی بودن اخلاق
۷۸	منشأ اختلافات اخلاقی و راه حل آنها
۷۸	۴-۲. استدلال از راه انشایی دانستن احکام اخلاقی
۷۹	نقد و بررسی

۷۹	انواع نسبیت اخلاقی
۷۹	۱. نسبیت توصیفی
۷۹	۲. نسبیت هنجاری
۸۰	۳. نسبیت فرا اخلاقی
۸۰	۵. پیامدهای پذیرش نسبیت گرایی
۸۲	خودآزمایی
۸۳	آزمون پاسخ نگاری
۸۴	برای پژوهش
۸۴	منابعی برای مطالعه بیشتر
۸۵	فصل پنجم: مسئولیت اخلاقی
۸۵	هدف‌های رفتاری
۸۵	مقدمه
۸۶	۱. اهمیت مبحث مسئولیت
۸۷	یادسپاری
۸۸	۲. معنای مسئولیت
۸۹	یادسپاری
۹۰	۳. انواع مسئولیت
۹۰	۳-۱ مسئولیت فردی (شخصی)
۹۰	۳-۲ مسئولیت گروهی
۹۱	یادسپاری
۹۱	۴. تعریف مسئولیت اخلاقی
۹۳	با هم بیان‌دیشیم
۹۴	یادسپاری
۹۵	۵. شرایط مسئولیت اخلاقی
۹۶	۵-۱ آگاهی (علم) یا امکان تحصیل آن
۹۶	۵-۲ قدرت یا امکان تحصیل آن
۹۷	۵-۳ آزادی اختیار
۹۷	یکم. معانی و کاربردهای اختیار
۹۷	الف) اختیار به معنای نبود اکراه
۹۹	ب) اختیار به معنای نبود اضطراب
۹۹	یادسپاری
۱۰۰	ج) اختیار به معنای قصد و تعمد
۱۰۰	یادسپاری
۱۰۱	دوم: شبهات پیرامون اختیار انسان
۱۰۱	الف) جبر فلسفی

۱۰۱	ب) جبر اجتماعی
۱۰۲	ج) جبر زیستی
۱۰۴	د) جبر کلامی
۱۰۴	۶. قلمرو مسئولیت اخلاقی
۱۰۵	بررسی کنید:
۱۰۶	۶-۱ مسئولیت در برابر خدا
۱۰۶	۶-۲ در برابر خود
۱۰۷	۶-۳ در برابر دیگران
۱۰۷	تحقیق کنید
۱۰۷	۶-۴ در برابر سایر موجودات
۱۰۸	۷. مراتب مسئولیت اخلاقی
۱۰۹	۷-۱ عوامل مؤثر در مسئولیت اخلاقی
۱۰۹	الف) مقدار اختیار و قدرت انسان
۱۱۰	ب) میزان آگاهی انسان
۱۱۲	۷-۲ عوامل تعیین کننده مراتب مسئولیت اخلاقی در آیات و روایات
۱۱۲	یکم. تکرار عمل ناپسند و اصرار بر آن
۱۱۳	دوم. کوچک پنداشتن عمل ناپسند
۱۱۳	سوم. آشکارا بدی کردن (گناه علنی)
۱۱۳	چهارم. خشنودی از گناه
۱۱۴	پنجم. انجام زشتی و تظاهر به نیکی
۱۱۴	بررسی کنید
۱۱۵	ششم. مسئولیت پذیری
۱۱۶	برای مطالعه بیشتر
۱۱۷	بررسی کنید
۱۱۸	خودآزمایی ۵
۱۱۹	آزمون پاسخ نگاری
۱۱۹	برای پژوهش
۱۱۹	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۲۱	فصل ششم: دین و اخلاق
۱۲۱	هدف‌های رفتاری
۱۲۱	مقدمه
۱۲۲	۱. بیان دیدگاه‌ها
۱۲۲	۱-۱ دیدگاه تبیین
۱۲۵	نقد و بررسی
۱۲۵	یک. نادرستی مسیحیت یا دین

۱۲۶	دو. قلمرو دین
۱۲۶	سه. رابطه عقل و ایمان
۱۲۷	۲-۱ دیدگاه اتحاد (نظریه امر الهی)
۱۲۹	۱-۲-۱ مدعای مدافعان نظریه امر الهی
۱۳۰	۲-۲-۱ بررسی ادله نظریه امر الهی
۱۳۰	یک. «مالک مطلق» بودن خداوند
۱۳۰	نقد و بررسی
۱۳۱	دو. قبیح نبودن تکلیف به «مالایطاق»
۱۳۲	نقد استدلال فوق
۱۳۳	سه. فعل فاعل مضطر قبیح نیست
۱۳۳	نقد استدلال فوق
۱۳۴	چهار. اثبات نظریه امر الهی از راه نسخ شرایع
۱۳۵	نقد استدلال فوق
۱۳۶	۳-۱ دیدگاه مورد قبول
۱۳۸	۲. نیازمندی‌های دین به اخلاق
۱۳۸	۱-۲. اخلاق و خداشناسی
۱۳۹	۲-۲. اخلاق و خداپرستی
۱۳۹	۳-۲. اخلاق و هدف دین
۱۴۰	۴-۲. اخلاق و تبلیغ دین
۱۴۰	۳. وابستگی‌های اخلاق به دین
۱۴۱	۱-۳. تعریف مفاهیم اخلاقی
۱۴۱	۲-۳. تعیین مصداق ارزش‌های اخلاقی
۱۴۲	۳-۳. تعیین هدف ارزش‌های اخلاقی
۱۴۲	۴-۳. ضمانت اجرایی ارزش‌های اخلاقی
۱۴۴	خودآزمایی
۱۴۵	آزمون پاسخ‌نگاری
۱۴۵	برای پژوهش
۱۴۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۴۷	پاسخنامه خودآزمایی‌ها
۱۴۹	منابع فارسی
۱۵۳	منابع عربی
۱۵۵	منابع انگلیسی

پیشگفتار

فلسفه اخلاق به عنوان رشته‌ای مستقل از فلسفه و اخلاق در طلیعه قرن بیستم (۱۹۰۳ میلادی) با کتاب مبانی اخلاق (Principia Ethica)، جرج ادوارد مور (۱۸۷۳ - ۱۹۵۹)^۱ به جامعه علمی جهان معرفی شد. مسائل این علم گرچه به لحاظ تاریخی متأخر از علم اخلاق است، به لحاظ منطقی مقدم بر آن است. زیرا فلسفه اخلاق، زیربنای علم اخلاق بوده، با دقت در مسائل آن به آسانی به دست می‌آید که بدون داشتن موضعی مبتنی بر تأمل و دقت در مسائل فلسفه اخلاق نمی‌توان علم اخلاقی معتبر و بدون تعارض داشت.

این علم در فرهنگ اسلامی با اینکه از دیرباز به صورت پراکنده و در ضمن مباحث فلسفی، اخلاقی، کلامی و علم اصول مطرح بوده، بنا به دلایل مختلف به صورت مستقل و شایسته مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که امروز سیل بی‌امان ترجمه و آثار مکاتب اخلاقی غرب و لزوم دفاع منطقی از مبانی اخلاقی اسلام، توجه ویژه به این شاخه از علم را بیش از پیش ضروری می‌نماید.

کتاب حاضر که در صدد تبیین ساده مهم‌ترین مسائل مطرح در حوزه فلسفه اخلاق است با استفاده از نظرات اندیشمندان مسلمان سعی دارد دورنمایی از نظام اخلاقی اسلام را ارائه نموده، با روش عقلی از آن دفاع نماید.

این اثر که ثمره یک کار گروهی است به صورت زیر به انجام رسیده است:

1. G.E.moore.

۱. تدوین هریک از فصول کتاب به قرار زیر بوده است فصل اول: امیر خواص، فصل دوم: سیداکبر حسینی، فصل سوم: احمد دبیری، فصل چهارم و ششم: احمدحسین شریفی، فصل پنجم: علی پاکپور.

۲. فصول تدوین یافته در جلسات گروهی مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت.

۳. یکسان سازی و هماهنگی بین فصول به همت محمدتقی اسلامی انجام گرفته است. مرکز برنامه ریزی و تدوین کتب درسی ضمن سپاس و قدردانی از گروه نویسندگان و همه کسانی که در نقش راهنما و همکار در به ثمر رسیدن این کتاب ما را یاری نمودند، امیدوار است که از دیدگاه ها و پیشنهادهای صاحب نظران، استادان و دانشجویان عزیز، در رفع کاستی های متن بهره مند گردد.

مرکز برنامه ریزی و تدوین کتب درسی

فصل اول

کلیات (مفهوم، اهمیت و تاریخچه فلسفه اخلاق)

هدف‌های رفتاری

- از شما دانشجویان عزیز انتظار می‌رود که پس از مطالعه این فصل بتوانید:
 ۱. علم اخلاق را تعریف کنید.
 ۲. چستی فلسفه اخلاق، روش بحث، مسائل و قلمرو آن را شرح دهید.
 ۳. حوزه‌های گوناگون پژوهش اخلاقی را شناسایی و بررسی کنید.
 ۴. اهمیت و ضرورت مباحث فلسفه اخلاق را تحلیل و تبیین کنید.

مقدمه

مربیان همواره به فرزندان و دانش‌پژوهان خود توصیه می‌کنند که کارهای خوب انجام دهند و از کارهای بد بپرهیزند. زمانی که مخاطب از چستی این توصیه‌های کلی پرسش می‌کند در پاسخ مصادیق کارهای خوب و بد برای وی برشمرده می‌شود: راستگویی، وفای به عهد، احسان و... کارهای خوب‌اند و دروغ‌گویی، عهدشکنی و ظلم به دیگران از کارهای بد. اما در پاسخ این پرسش که منشأ خوبی یا بدی چنین کارها چیست، پاسخ‌های متعدد و متنوعی ارائه شده است. منشأ خوبی از دیدگاه قدرت‌گرایان، قدرت، از نظر لذت‌گرایان، لذت، و به اعتقاد سودگرایان، سود عمومی است و...^۱ هر یک از این پاسخ‌ها بر مبنای خاص خود تکیه دارند. پرسش از منشأ خوبی، نمونه‌ای از

۱. حدود بیست نظریه عمده درباره منشأ ارزش و الزام اخلاقی بیان شده است. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: محمدتقی مصباح یزدی، مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی.

پرسش‌های اساسی در حوزه اخلاق است. پرسش‌هایی از این دست: خوب و بد یعنی چه؟ ملاک خوب یا بد بودن یک کار چیست؟ چرا باید کار خوب انجام داد و کار بد را ترک کرد؟ منشأ این «باید» و الزام و نیز معنای «باید» چیست؟ فلسفه اخلاق عهده‌دار پاسخگویی بدین پرسش‌ها است.

همچنین گاه رخ می‌دهد که فردی میان انجام دو کار که باید فقط یکی برگزیده شود، نمی‌داند کدام یک را به جای آورد.^۱ در آن صورت «وظیفه» چیست؟ ما چگونه وظیفه (تکلیف) خود را می‌شناسیم؟ اینجا است که فلسفه اخلاق با تعیین قواعد کلی و ارائه راه‌حل برای خروج از تعارض تکالیف، به کمک ما می‌آید و معنای تکلیف، وظیفه و خاستگاه آن را روشن می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی واژه اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است که به معنای سرشت، طبیعت، عادت، خوی و... به کار می‌رود.^۲ در قرآن کریم نیز واژه خُلُق به همین معنا به کار رفته است: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / ۴). (= به راستی که تو را خویی والا است). البته خوی و سرشت گاه مانند شجاعت و کرامت، پسندیده است و گاه مانند ترسویی و لثامت، بد و نکوهیده.^۳

عالمان اخلاق معانی اصطلاحی متعددی برای «اخلاق» بیان کرده‌اند.^۴ یکی از رایج‌ترین آنها عبارت است از: «صفات نفسانی» که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده باشد.^۵ برخی از دانشمندان، اخلاق را شامل صفات نفسانی غیرپایدار نیز دانسته‌اند.

۱. مانند موقعیت سقراط (۴۷۰ ق. - ۳۹۹ ق.). فیلسوف اخلاقی یونان باستان و استاد افلاطون، در مکالمه کرایتون، بنگرید به: مجموعه آثار افلاطون، ج ۱، مکالمه کرایتون، ص ۶۶ - ۵۱.

۲. بنگرید به: محمد ابن منظور، (۶۹۰ - ۷۷۱ ق. لغت‌شناس مصری قرن هشتم)، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶، واژه خلق، محمد مرتضی الزبیدی، (۱۱۴۵ - ۱۲۰۵ ق، علامه در لغت، حدیث و علم نسب شناسی، متولد هند، بزرگ‌شده در زبید یمن) تاج العروس عن جواهر القاموس، ج ۶، ص ۳۳۷ واژه خلق، و دیگر کتب لغوی.

۳. میان خُلُق نیکو و خُلُق نیکو، فرق است. خُلُق نیکو به معنای سرشت و صفت اخلاقی خوب است که به اختیار انسان حاصل می‌شود، اما خُلُق نیکو به معنای آفرینش و ظاهر نیکو است که خداوند به شخص عنایت می‌کند و امری اختیاری نیست.

۴. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: یحیی بن عدی، تهذیب الاخلاق، به قلم جار حاتم، ص ۴۷، ویلیام کی، فرانکنا، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، ص ۲۸ - ۲۹.

۵. بنگرید به: ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۳۶، ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۵۵.

(یحیی بن عدی، به قلم جار حاتم، ص ۴۷) معانی اصطلاحی دیگری نیز برای اخلاق ذکر می‌شود، مانند نظام اخلاقی یا نظریه هنجاری یک فرد یا گروه، همچون اخلاق عملی پیامبر اکرم ﷺ، سقراط، اخلاق عملی ورزشکاران. گاهی هم اخلاق به معنای نهاد اخلاقی زندگی به کار می‌رود. در این کاربرد اخلاق معنایی هم عرض هنر، علم و حقوق خواهد داشت. (ویلیام کی، فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۲۹ - ۲۸)

تفاوت اخلاق و تربیت

میان اخلاق و تربیت، تفاوت است. اخلاق امری مقدس و ویژه حوزه افعال اختیاری انسان‌ها است و از این رو، معنای آن خاص است، برخلاف تربیت که معنای عامی دارد و شامل حیوانات نیز می‌شود. شهید مطهری در بیان تفاوت تربیت و اخلاق می‌گوید: «تربیت، مفهوم پرورش و ساختن را می‌رساند و بس. از نظر تربیت فرق نمی‌کند که تربیت چگونه و برای چه هدفی باشد، یعنی در مفهوم تربیت، قداست....[نهفته نیست] که بگوییم تربیت یعنی کسی را آن طور پرورش بدهند که یک خصایص مافوق حیوانی پیدا کند. اما در مفهوم اخلاق قداستی نهاده شده است...[به همین سبب] کلمه اخلاق را در مورد حیوان یا گیاه به کار نمی‌برند؛ اخلاق اختصاص به انسان دارد.... [بنابراین] اگر بخواهیم با اصطلاح صحبت کنیم، باید بگوییم فن اخلاق و فن تربیت یکی نیست... فن تربیت وقتی گفته می‌شود که منظور مطلق پرورش باشد.» (مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۵۹)

۲. علم اخلاق

اندیشمندان و پژوهشگران تعاریف گوناگونی برای «علم اخلاق» ارائه نموده‌اند^۱ که به‌رغم اختلافات جزئی، می‌توان از آنها به تعریف زیر دست یافت:

«علم اخلاق علمی است که با آموزش صفات و ملکات پسندیده و طریقه کسب آنها و نیز بیان صفات بد و راه و روش اجتناب از آنها، راه رسیدن به منش خوب را به

۱. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، ص ۱۴.

ما نشان می‌دهد و نیز شیوهٔ صحیح رفتار ما را در ارتباط با خود، دیگران و خداوند، به منظور نیل به سعادت و کمال، معرفی می‌کند».

۳. انواع پژوهش‌های اخلاقی

از آنجا که درباره مسائل و قلمرو مباحث فلسفه اخلاق، نظریه‌ای واحد وجود ندارد، توضیحی مقدماتی دربارهٔ مبنای نظریات مختلف در فلسفه اخلاق و حد و مرز آن لازم است. از این گذر، می‌توانیم به تعریفی روشن از این شاخه علمی دست یابیم. پژوهشگران، سه نوع تحقیق و پژوهش را در حوزه اخلاق شناسایی کرده‌اند:

۳-۱. پژوهش توصیفی (اخلاق توصیفی)

این نوع پژوهش عبارت است از مطالعه و تحقیق میدانی برای دستیابی به توصیف و تبیین اخلاقی افراد، جوامع، ادیان و گروه‌های مختلف، نظیر کاری که جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، مورخان و انسان‌شناسان در باب توصیف اصول اخلاقی پذیرفته شده افراد یا گروه‌های انسانی انجام می‌دهند. از این‌رو روش بحث و تحقیق در این شاخه، روشی توصیفی، تجربی و نقلی است نه عقلی و استدلالی، مانند این گزاره‌ها: «رفتار پیامبر اکرم ﷺ، با کودکان بسیار صمیمانه بود»، «مسلمانان شراب‌خواری را بد می‌دانند»، «هندوها خوردن گوشت گاو را ناپسند می‌شمارند»، «بودایی‌ها کشتن حیوانات را بد می‌دانند»، «مردم چین کار فراوان را خوب می‌شمارند» و... در این نوع پژوهش هیچ‌گونه داوری صورت نمی‌گیرد؛ یعنی از درستی و نادرستی اصول اخلاقی گزارش شده، سخنی به میان نمی‌آید، بلکه هدف گزارش و توصیف اخلاق افراد و جوامع به منظور آشنایی با اصول اخلاقی و رفتاری آنها است.

تفاوت دو اصطلاح

پژوهش توصیفی در اخلاق یا اخلاق توصیفی با اصطلاح «مکاتب توصیفی» در فلسفه اخلاق تفاوت دارد. زیرا اخلاق توصیفی چیزی جز گزارش اخلاق و اصول اخلاقی فرد، گروه، جامعه یا یک دین خاص نیست؛ بر خلاف مکاتب توصیفی یا نظریه‌های توصیفی که عبارت‌اند از نظریه‌هایی درباره تبیین و تحلیل مفاهیم، واژه‌ها و گزاره‌های

اخلاقی. وجه جامع این نظریه‌ها، پذیرفتن ویژگی خبری و گزارش‌گری از عالم واقع درباره گزاره‌های اخلاقی است که به آنها «نظریه‌های واقعی و شناختی» هم می‌گویند؛ مانند نظریه زیست‌شناختی که مفاهیم اخلاقی را با استمداد از مفاهیم زیستی توضیح می‌دهد و نظریه روان‌شناختی که مفاهیم اخلاقی را با کمک مفاهیم روان‌شناختی تبیین می‌کند و نظریه تکاملی که از مفاهیم مربوط به تکامل و ترقی برای تبیین مفاهیم اخلاقی سود می‌برد.^۱

۳-۲. پژوهش هنجاری (اخلاق هنجاری)

مقصود از این نوع پژوهش که به آن «دستوری» و «توصیه‌ای» نیز می‌گویند، بررسی خوبی و بدی، درستی و نادرستی و بایستگی و نبایستگی افعال اختیاری انسان و قضاوت درباره آنها است. در این‌گونه پژوهش، محققان درصددند از قواعد و اصول حاکم بر افعال اخلاقی، نظامی استوار تبیین کنند. این نوع پژوهش دارای دو بخش است:

الف) ارائه معیارهای فراگیر اخلاقی برای تعیین مصداق خوبی، بدی، درستی و نادرستی افعال اخلاقی.

ب) تعیین مصداق خوبی، بدی، درستی و نادرستی و بحث از خوبی و بدی، درستی و نادرستی افعال خاص.

پس اخلاق هنجاری علاوه بر بحث از معیارهای عام و کلی، شامل مباحثی است که جنبه مصداقی دارند. روش بحث در این حوزه، استدلالی و عقلی است نه تجربی و نقلی

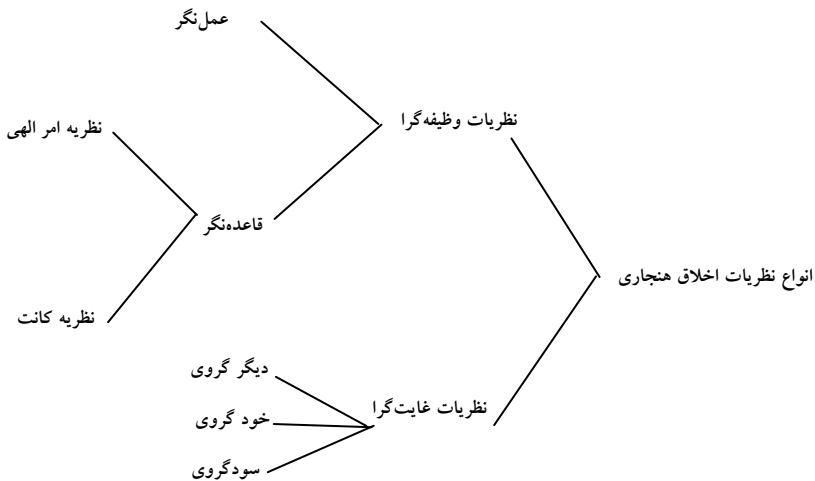
در پژوهش هنجاری یا اخلاق هنجاری، نظریه‌هایی برای ارائه معیار عام اخلاقی مطرح شده است، که به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول نظریات غایت‌گرا (teleological) است. این نظریه‌ها، ملاک خوبی و درستی و بایستگی عمل را به هدف و غایت منوط می‌کنند؛ حال آن غایت ممکن است لذت، سود، قدرت، معرفت یا امر دیگری

۱. برای مطالعه این نظریات، بنگرید به: مجتبی مصباح، فلسفه اخلاق، ص ۱۰۱ - ۶۷.

باشد. نظریه خودگروری (egoism)، نظریه دیگرگروری (Altruism)، نظریه سودگروری (utilitarianism)، نمونه‌هایی از نظریه‌های غایت‌گرایند.

دسته دوم نظریه‌های وظیفه‌گرا (Deontological) است. بنا بر وظیفه‌گرایی، یک عمل، ممکن است با صرف نظر از میزان خیر و خوبی که در نتیجه آن به بار می‌آید، به دلیل برخی ویژگی‌های درونی و ذاتی‌اش خوب و بایسته باشد؛ مانند عمل احسان که با صرف نظر از نتایج فردی و اجتماعی‌اش، به دلیل «عادلانه‌بودن» یا «متعلق فرمان خداوندبودن» خوب و بایسته شمرده شود.

البته همه احکام هنجاری، اخلاقی نیستند و احکام هنجاری غیراخلاقی نیز تقسیمات ویژه دارد؛ مانند: «این ماشین، ماشین خوبی است» یا «لذت، امر مطلوبی است». در حوزه اخلاق تنها از احکام هنجاری اخلاقی بحث می‌شود، که یا به ارزش اخلاقی پیوند دارد یا به الزام اخلاقی.^۱



در دهه‌های اخیر، اخلاق هنجاری در حوزه‌های خاص زندگی، مورد توجه جدی بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است؛ تا جایی که رشته خاصی با عنوان اخلاق

۱. برای مطالعه بیشتر درباره اخلاق هنجاری، بنگرید به: ویلیام کی، فرانکنا، فلسفه اخلاق، ص ۸۴ - ۴۱.

کاربردی (applied-Ethics) پدید آمده است. اخلاق کاربردی درصدد آن است که کاربرد منظم نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاص نشان دهد. مباحثی مانند اخلاق دانشجویی، اخلاق پژوهش، اخلاق نقد، اخلاق گفتگو، اخلاق محیط زیست، اخلاق سیاست، اخلاق جنسی و اخلاق معیشت را می‌توان از شاخه‌های اخلاق کاربردی دانست. اخلاق کاربردی شامل «اخلاق حرفه‌ای» نیز می‌شود. منظور از اخلاق حرفه‌ای، تأمل درباره ابعاد مسائل و موضوعاتی است که به مشاغل خاص مربوط می‌شود؛ مانند اخلاق پزشکی، اخلاق تجارت، اخلاق روزنامه‌نگاری و.....^۱. به‌طور خلاصه می‌توان گفت «اخلاق کاربردی یا کاریستی» عبارت است از کاربرد و تطبیق استدلال‌ها، اصول، ارزش‌ها و ایده‌آل‌های اخلاقی در مورد رفتارهای اخلاقی فردی و اجتماعی. هدف از این نوع پژوهش نیز ارزش‌گذاری و ارزیابی اخلاقی و در نتیجه پذیرش یا انکار آن خط‌مشی‌ها و رفتارها است.

۳-۳. فرا اخلاق

به فرا اخلاق، اخلاق تحلیلی، فلسفی، انتقادی و... نیز گفته می‌شود. اصطلاح فرا اخلاق براساس برخی از دیدگاه‌ها، اصطلاحی جدید است که در اوایل قرن بیستم از سوی نوپوزیتیویست‌ها و برخی نویسندگان مارکسیست، در برابر اخلاق هنجاری به کار رفته است.^۲ در این حوزه پژوهشی نه کاری توصیفی درباره اخلاق افراد و گروه‌ها و... صورت می‌گیرد و نه حکمی هنجاری و ارزشی ارائه می‌شود، بلکه جملات و گزاره‌های اخلاقی از چند جنبه بحث و بررسی می‌شود. این جنبه‌ها عبارت‌اند از:

الف) معناشناسی: در مباحث معناشناسانه مفاهیمی که در گزاره‌های اخلاقی به

کار می‌رود، محور بحث قرار می‌گیرد و معنای آنها تبیین می‌شود - چه مفاهیمی که محمول و مسند جملات اخلاقی قرار می‌گیرند، مانند مفاهیم خوب، بد، باید، نباید، درست و نادرست و وظیفه، و چه مفاهیمی که موضوع یا مسندالیه جملات اخلاقی واقع می‌شوند، که یا یکی از افعال اختیاری انسان هستند یا صفتی از صفات درونی او، مانند راست‌گویی، دروغ‌گویی، احسان، ظلم، شجاعت، سخاوت، ترس و.... البته این

1. see, "Applied Ethics" in Encyclopedia of Ethics Ed. Lawrence C. Becker. V.1, P80-84.

2. A Dictionary of Ethics, P 260.

مباحث بیشتر به تبیین مفهومی مفاهیم معمولی می‌پردازد. اما مفاهیمی که پیش‌فرض قضایای اخلاقی هستند، مانند اراده، انتخاب، میل، انگیزه و آزادی، و مفاهیمی که در نتایج احکام اخلاقی به کار می‌روند، مانند لذت، سود، سعادت، خیر و... — که در نظریات هنجاری به آنها اشاره شد — نیز باید تحلیل معناشناختی شوند و این وظیفه را شاخه فرا اخلاق عهده‌دار است.

ب) معرفت‌شناسی: بحث از اخباری یا انشایی بودن گزاره‌های اخلاقی، مطلق یا نسبی بودن احکام اخلاقی و مباحثی از این دست که با روش عقلی بررسی می‌شوند، نمونه‌هایی از مباحث معرفت‌شناختی درباره گزاره‌های اخلاقی‌اند. درباره اخباری یا انشایی بودن گزاره‌های اخلاقی و مطلق یا نسبی بودن احکام اخلاقی، نظریه‌های متعددی مطرح است که در مباحث بعدی به آنها خواهیم پرداخت.

ج) منطقی: نمونه‌ای از مباحث منطقی درباره جملات اخلاقی است بحث از این مسئله است که آیا «باید» از «هست» استنتاج می‌شود؛ یعنی آیا از واقعیات می‌توان احکام ارزشی را نتیجه گرفت. به تعبیر دیگر آیا بین واقع (fact) و ارزش (value) رابطه‌ای هست یا خیر. بحث از ارتباط گزاره‌های اخلاقی با یکدیگر نیز در این قسمت انجام می‌شود.

د) هستی‌شناسی: مانند بحث از اینکه «آیا مفاهیم اخلاقی ما بازاء خارجی و عینی دارند یا نه؟» و به عبارت دیگر «آیا این مفاهیم از وقایع خارجی حکایت می‌کنند یا فقط بیانگر اموری ذهنی و فرضی هستند؟». بحث واقع‌گرایی اخلاقی و غیر واقع‌گرایی در پاسخ به این پرسش شکل می‌گیرد.

عده‌ای از اندیشمندان برخی از مباحث علم‌النفس فلسفی را نیز از حوزه‌های پژوهش اخلاقی شمرده‌اند. این مباحث در واقع مربوط به علم‌النفس اخلاقی هستند؛ یعنی مجموعه‌ای از مباحث فلسفی و گاه تجربی‌اند که به امور نفسانی و روانی‌ای نظر دارند که آدمی در مقام فاعل یا عامل اخلاقی یا ناظر و داور اخلاقی به کار می‌بندد؛ مانند مسئله جبر و اختیار، حب ذات و خود دوستی و....^۱

۱. استیون داروال و دیگران، نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم، ترجمه مصطفی ملکیان، ص ۱۳. برای مطالعه درباره حوزه‌های پژوهشی اخلاق، بنگرید به: محمدتقی، مصباح، پیشین، ص ۱۸ - ۲۵ و استیون دارول و دیگران، همان، ص ۹-۱۳.

۴. تعریف و قلمرو فلسفه اخلاق

درباره تعریف و قلمرو فلسفه اخلاق چندین فرض تصور می‌شود: ۱. اینکه فلسفه اخلاق شامل همه انواع پژوهش‌های اخلاقی - توصیفی، هنجاری و فرا اخلاقی - باشد. ۲. آن را تنها شامل پژوهش‌های هنجاری و فرا اخلاقی بدانیم. ۳. فرض سوم که مورد تأکید برخی از اندیشمندان غربی^۱ است، آن را تنها در برگیرنده مباحث فرا اخلاقی می‌داند. بر این اساس، فلسفه اخلاق دانشی است که تنها به بررسی عقلی مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق می‌پردازد. البته به نظر ما فلسفه اخلاق شامل پژوهش در حوزه اخلاق هنجاری و فرا اخلاق است.

۵. مسائل فلسفه اخلاق

برخی از مهم‌ترین مسائل فلسفه اخلاق عبارت‌اند از:

الف) مفاهیم اخلاقی از چه سنخ مفاهیمی هستند؟ آیا اصولاً از نوع مفاهیم معنادارند یا فقط نشانه‌ای برای ابراز احساسات، عواطف و امیال شخصی افرادند؟ اگر از نوع مفاهیم معنادارند، آیا همچون مفاهیم ماهوی دارای مصداق خارجی و عینی‌اند یا مانند مفاهیم فلسفی از مصادیق خارجی به دست می‌آیند؟

ب) احکام و قضایای اخلاقی از چه سنخ قضایایی هستند؟ آیا از واقعیات خارجی خبر می‌دهند و از نوع قضایای خبری‌اند، یا ریشه در احساسات و امیال، یا اراده‌های فردی یا جمعی داشته، از نوع جملات انشایی هستند؟

ج) ملاک و معیار توجیه و معقولیت احکام و ارزش‌های اخلاقی چیست؟ آیا این ملاک با معیار توجیه احکام غیرارزشی متفاوت است، یا هر معیاری که برای توجیه احکام غیرارزشی داشته باشیم، در احکام ارزشی نیز جاری است؟

د) آیا احکام و ارزش‌های اخلاقی مطلق‌اند یا نسبی؟ یعنی آیا احکام اخلاقی، همگانی، زمان‌شمول و مکان‌شمول‌اند، یا وابسته به امیال و سلیقه‌های فردی، جمعی و مقتضیات زمانی‌اند؟

۱. مانند آ.آ. اف. اتکینسون، درآمدی به فلسفه اخلاق، سهراب علوی نیا.

ه) آیا انسان دارای مسئولیت اخلاقی است؟ تعریف مسئولیت اخلاقی چیست و قلمرو آن کجا و انواع و مراتب آن کدام است؟ آیا مسئولیت، تنها در برابر فعل اختیاری تحقق می‌یابد یا در برابر نتایج افعال، یا ترک فعل‌ها، انگیزه‌ها و عواطف نیز قابل تصور است؟

و) رابطه اخلاق و دین چگونه است؟ آیا می‌توان از اخلاق سکولار (بدون دین) سخن گفت یا اساساً اخلاق جدای از دین تصور ندارد؟

اهمیت و ضرورت فلسفه اخلاق

از آغاز آفرینش آدمی اخلاق همواره در کنار آدمیان حضور داشته است و هیچ انسان و جامعه‌ای را نمی‌توان بی‌نیاز از اخلاق دانست. زیرا انسان تهی از اخلاق و فضایل اخلاقی، انسان نمایی بی‌روح است؛ چرا که با اخلاق و عمل به احکام اخلاقی است که انسان طریق تکامل حقیقی را می‌پیماید و به سرمنزل مقصود می‌رسد؛ تا آنجا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هدف بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق بیان کرده است. (بعثت لاتمم مکارم الاخلاق).^۱ ممکن است کسانی ضرورت اخلاق و علم اخلاق و نیاز به آن را بپذیرند، اما عافیت‌طلبانه چنین بیندیشند که برای رسیدن به اهداف اخلاقی، توسل به دین کافی است و دیگر نیازی به مباحث نظری و بنیادی فلسفه اخلاق نیست. اما باید گفت نه علم اخلاق به تنهایی ما را از فلسفه اخلاق بی‌نیاز می‌کند و نه پیروی از دین. زیرا:

۱. کنجکاوی انسان سبب می‌شود که پرسش‌هایی درباره اخلاق برای او مطرح شود که برای پاسخ‌گویی به آنها به مباحث فلسفی در فلسفه اخلاق نیاز است. برخی از این پرسش‌ها در بخش مسائل فلسفه اخلاق گذشت.
۲. در عمل به قواعد و احکام اخلاقی مشکلات و تعارض‌هایی بروز می‌کند که حل آن مشکلات و ارائه مبنایی برای رفع این تعارض‌ها بر عهده فلسفه اخلاق است. نمونه‌هایی از این مشکلات و تعارض‌ها در ابتدای فصل مثال زده شد.